



## نقدی بر

# کتاب «مبادئ العربية»

عبدالجبار زرگوش

۱. ج ۴، ص ۳۳۷، س ۱۸: أما الصفة المشبهة فلا تكون إضافتها لفظية لأنها تتعين للماضي.

این عبارت در دو ترجمه مبادئ العربية، یعنی ترجمه دکتر محمد جواد شریعت و سید علی حسینی بدون اصلاح عبارت آمده است و ترجمه شده بدون اینکه به این اشتباه اشاره شود.

صحیح این عبارت چنین است: أما الصفة المشبهة فلا تكون إضافتها إلا لفظية لأنها تتعين للحال؛ یعنی: أما إضافة صفت مشبهة تنها إضافة لفظی می باشد؛ زیرا صفت مشبیه برای حال معین شده است.

مستند و دلیل صحّت ادعای ما کتاب شرح ابن عقیل جلد ۳ صفحه ۴۵ است که در مورد اضافه لفظی (غیر المحضه) می فرماید: «باید مضاف وصف باشد و منظور از وصف اسم فاعل یا مفعول - که به معنای حال یا آینده باشند نه به معنای ماضی - و یا صفت مشبیه است، و صفت مشبیه جز به معنای حال نمی باشد».

علت اینکه صفت مشبیه همیشه اضافه لفظی است این است که صفت مشبیه همیشه به معنای حال است و الا اگر به معنای ماضی باشد اضافه معنوی می شود؛ همانند اسم فاعل زمانی که به معنای ماضی باشد. لذا اضافه صفت مشبیه نکره به معرفه هرگز کسب تعریف نمی کند، مانند رأیت رجلاً قلیلاً الحیل. در این مثال صفت مشبیه (قلیل) به معرفه اضافه شده ولی کسب تعریف ننموده و الا نمی توانست صفت برای رجل قرار بگیرد؛ در حالی که اضافه نکره به معرفه در اضافه معنوی کسب تعریف می کند.

۲. جلد ۴ صفحه ۳۴۲: النعت السببي له حالتان: أن يكون مقروناً بضمير المنعوت أو مضافاً إلى ما فيه ضميره ففي هذه الحال يتبع ما قبله في الاعراب والتعريف والتذكير ولا غير، ويتبع ما بعده في التذكير والتأنيث ملازماً للإفراد فيقال جاء الرجل الفاضل معلّمه والكریم معلّمه، إلا إذا كان جمعاً مكسراً فيجوز

مبادئ العربية، ج ۴ و ۳، تألیف رشید الشرتونی، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۲.

جمعه فتقول جاءني الرجل الفضلاء أباهُ.

ان لا يكون مقروناً بضمير المنعوت. وفي هذه الحال يجري مجرى النعت الحقيقي نحو رأيت الفتاة الكريمة النسب ورأيت رجلاً كريمي الأب ورأيت رجلاً حسان الوجه.

ترجمه این متن را از ترجمه سید علی حسینی صفحه ۳۶۸ نقل می کنیم: نعت سببی دارای دو حالت است:

یک. نخست اینکه مقرون به ضمیر منعوت باشد و یا اینکه نعت مضاف به چیزی باشد که در آن ضمیر منعوت موجود است و در چنین حالتی نعت در اعراب و تعریف و تنکیر از ماقبل خود «منعوت» متابعت می کند و با مابعدش در تذکیر و تأنیث متابعت می کند و ملازم با افراد است یعنی بصورت مفرد عنوان می شود مانند جاء الرجل الفاضل معلّمه وجاء الرجل الكريم معلّمه؛ مگر اینکه نعت جمع مکسر باشد که در این حالت جمع آن نیز جایز است، مانند جاءني الرجل الفضلاء أباهُ.

دو. دیگر اینکه نعت مقرون به ضمیر منعوت نباشد که در چنین حالتی همانند نعت حقیقی خواهد بود، مانند: رأيت الفتاة الكريمة النسب؛ رأيت رجلاً كريمي الأب؛ رأيت رجلاً حسان الوجه.

باید گفت مؤلف مبادئ العربية در تقسیم بندی نعت سببی میان دو صورت خلط نموده حکم صورت اول برای دوم و حکم صورت و حالت دوم را برای اول بیان نموده است. همین اشتباه هم در جلد سوم مبادئ (صفحه ۱۹۸)، در هر دو ترجمه رخ داده است.

زیرا در «الکریمه، کریمی و حسان» ضمیر مستتر منوعوت وجود دارد، لذا با منوعوت، مانند نعت حقیقی مطابقت دارند. اما در مثال‌های صورت و حالت اول، نعت اسم ظاهر رافع داده است، لذا الفاضل والکریم نمی‌توانند دارای ضمیر منوعوت باشند، مانند فعل هنگامی که فاعلش اسم ظاهر است. در این مثال‌ها معلم، معلوم، فاعل برای نعت هستند.

سخن صحیح در مورد نعت سببی به شرح ذیل است: اگر نعت سببی دارای ضمیر منوعوت نباشد در اعراب، تعریف و تنکیر از منوعوت تبعیت می‌کند و لازم است همیشه مفرد بیاید و در تأنیث و تذکیر از مابعدش تبعیت می‌کند. حکمش مانند حکم فعل است؛ در حالی که اسم ظاهر رافع می‌دهد. اما اگر نعت سببی دارای ضمیر منوعوت باشد با منوعوت همانند نعت حقیقی مطابقت می‌کند و حکمش مانند حکم فعلی است که ضمیر رافع می‌دهد. دلیل صحت این ادعا شرح ابن عقیل، جلد سوم، صفحه ۱۹۳ و صفحه ۱۹۴ می‌باشد که فرموده است: «اگر نعت سببی اسم ظاهر رافع دهد، در این صورت نمی‌تواند دارای ضمیر منوعوت باشد. چون دو بار اسناد داده نمی‌شود. یک بار به اسم ظاهر و بار دیگر به ضمیر - و نسبت به تأنیث و تذکیر بر طبق آن اسم ظاهر است؛ یعنی از اسم ظاهر تبعیت می‌کند، اما در مثنی و جمع، مفرد می‌باشد و جاری مجرای فعل است، در صورتی که اسم ظاهر رافع دهد.

راه دوم اصلاح، اصلاح و تصحیح عبارت مؤلف است. که به این صورت است: بعد از کلمه یکون در صورت اول «معمول النعت» بیفزاییم و در صورت دوم «بعد از لایکون معمول النعت» بیفزاییم و یک شرط نیز اضافه کنیم و آن شرط عبارتست از: «بشرط ان یکون مقروناً بأل او مضافاً الی ما فیہ ال».

با این اصلاح ترجمه عبارت چنین می‌شود: نعت سببی دو حالت دارد: ۱. معمول نعت مقرون به ضمیر منوعوت باشد و یا اینکه معمول نعت مضاف به اسمی باشد که در آن اسم ضمیر منوعوت باشد که در این حال، نعت در اعراب، تعریف و تنکیر از ماقبلش تبعیت می‌کند و در تذکیر و تأنیث از مابعدش تبعیت می‌کند و همیشه مفرد می‌باشد. مانند: جاء الرجلُ الکریمُ نَسَبُهُ، و جاء الرجلُ الکریمُ نَسَبُ آبائِهِ و جاء الرجلُ الفاضلُ معلَّمُهُ. ۲. معمول نعت مقرون به ضمیر منوعوت نباشد به شرط اینکه مقرون به ال یا مضاف به اسمی باشد که آن اسم مقرون به ال باشد؛ مانند جاء الرجلُ الکریمُ نَسَبُ الْآبَاءِ در این صورت نعت جاری مجرای نعت حقیقی خواهد بود؛ مانند رأیتُ الفاتَةَ الکریمَةَ النَسَبِ و ...

۳. مبادئ العربیة جلد ۳ و ۴ صفحه ۶: «یقال للحرف حرف لین اذا وَقَعَ بعده حرف علة ساکن» یعنی به حرفی حرف لین گفته می‌شود که بعد از آن حرف عله ساکن باشد. این صحیح نیست؛ زیرا همان حرف عله حرف لین است؛ در صورتی که ساکن باشد و ماقبلش مفتوح - نه حرفی که قبل از

حرف عله ساکن باشد - مانند لوم و بیّت.

و اگر حرکت حرف ماقبل از حرف عله ساکن، مجانس با حرف عله باشد، آن را حرف مد می‌نامند؛ مثل عود و میل.

۴. مبادئ، جلد ۴، صفحه ۱۷۹، پاورقی: «وندر حذف الشرط» اشتباه چاپی است. درست آن: «وندر حرف الشرط» است.

۵. همان، ص ۱۸۵: «ویتقدم علی المفعول» اشتباه چاپی است. درست آن: «ویتقدم المفعول» است.

۶. همان، ص ۱۸۵: «اذا كان الفعل محصوراً» صحیح است؛ نه «اذا كان المفعول محصوراً».

۷. همان، ص ۱۸۵: «اذا اتصل بالفاعل ضمیر المفعول» غلط است. درست آن: «اذا اتصل بالفعل ضمیر المفعول» است.

۸. همان، ص ۲۰۵: صحیح، عامل الصفه است، نه معمول الصفه.

۹. همان، ص ۳۳۲: درست، «لی» است، نه «ای».

۱۰. همان، ص ۳۹۰: «یقال فی اعراب المضاف الیه» غلط است. درست آن: «یقال فی اعراب المضاف» است.

۱۱. همان، جلد ۳، صفحه ۱۲۹: «مادام» را از جمله افعال متصرف نام برده است؛ در حالی که غیر متصرف است.

۱۲. جلد ۳، صفحه ۱۴۳: النوعیة نحو انشد انشاد المطرب. این مورد را از موارد نایب مفعول مطلق ذکر نموده است؛ در حالی که اگر اسم نوع از فعل غیر ثلاثی باشد بر وزن مصدر فعل می‌آید و مختوم به تاء تأنیث می‌باشد. لذا صحیح این است: انشد انشاد المطرب. اگر گفته شود: انشد انشاد المطرب، انشاد مفعول مطلق نوعی می‌باشد، نه از موارد نایب مفعول مطلق.

۱۳. جلد ۳، صفحه ۲۲۰: لا در «أن لا یدخل علیها حرف الجر» غلط است.

۱۴. جلد ۳، صفحه ۱۷۷: و اذا كان المضارع منفياً ارتبطت بالضمیر نحو «قمتُ لا أبالی» صحیح است. زیرا اگر فعل جمله حالیه مضارع منفی به لم یا لماً باشد جایز است رابط جمله حالیه و او و ضمیر با هم باشند؛ اما اگر منفی به لا یا ما باشد، رابط تنها ضمیر است و جایز نیست رابط و او باشد، یا او همراه ضمیر مانند: مالنا لا نؤمن بالله و ضربت السارق و لم أشفق علیه.

۱۵. جلد ۳، صفحه ۱۸۸: «ای مسبقاً بنفی» درست است، نه «ای غیر مسبقاً بنفی».

۱۶. جلد ۳، صفحه ۱۲۶: «أقامه علی جناح الهیکل» صحیح است، نه «أقامه من علی جناح الهیکل».

۱۷. جلد ۳، صفحه ۶۷: «اذا كان حرف العلة الفأ او واو قلب یاء وادغمت فی یاء التصغیر» صحیح است، نه «اذا كان ثالث الاسم حرف علة الفأ او واو قلب یاء وادغمت فی یاء التصغیر نحو عصی فی عصا».

○